# امام روح‌الله

## ساده‌اندیشان موجه؛ بلندگوی نفوذی‌ها

نفوذي‌ها بارها اعلام كرده‏اند كه حرف خود را از دهان ساده‏انديشان موجّه مى‏زنند.

**من بارها اعلام كرده‏ام كه با هيچ كس در هر مرتبه‏اى كه باشد، عقد اخوت نبسته‏ام.**

**چهارچوب دوستى من در درستى راه هر فرد نهفته است.**

دفاع از اسلام و حزب‌اللَّه اصل خدشه‌ناپذير سياست جمهورى اسلامى است...

اگر ايادى بيگانه و ناآگاهان گول‌خورده كه بدون توجه بلندگوى ديگران شده‏اند، از اين حركات دست برندارند، مردم ما آن‌ها را بدون هيچ‌گونه گذشتى طرد خواهند كرد.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص 3۲۶)

# امام خامنه‌ای

## قبول قطعنامه به خاطر مسائل داخلی بود

**قطعنامه از طرف امام، به خاطر فهرست مشکلاتى بود که مسؤولین آن روزِ امورِ اقتصادى کشورْ مقابلِ روىِ او گذاشتند و نشان دادند** که کشور نمى‌کِشد و نمى‌تواند جنگ را با این همه هزینه، ادامه دهد**.** امام مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه، به خاطر ترس نبود؛ به خاطر هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید امریکا نبود؛ به‌خاطر این نبود که امریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند. چون امریکا، قبل از آن‌هم در امر جنگ دخالت مى‌کرد.

وانگهى؛ **اگر همه‌ دنیا در امر جنگ دخالت مى‌کردند، امام رضوان‌الله علیه، کسى نبود که رو برگرداند. برنمی‌گشت! آن، یک مسئله‌ داخلى بود.**

(امام خامنه‌ای، 14/03/1375)

# یاد یاران

## تو زنده ماندی و...

مشروطه‌طلبان، به‌جای مجازات مخالفان و نیروهای دولتی، از روحانیان و عالمان مشروعه‌طلب، انتقام گرفتند و در اولین فرصت، در یک دادگاه، **«آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری»** را به اعدام محکوم کردند و وی را به شهادت رساندند. پس از آن، آیت‌الله بهبهانی از نجف به ایران بازگشت. او به هنگام ورود به تهران، خطاب به آیت‌الله طباطبایی که به استقبال وی آمده بود، گفت: **«تو زنده ماندی و شیخ را در تهران به دار زدند و این ثلمه را به اسلام وارد ساختند؟ چرا نرفتی بند دار را بگیری و به گردن خود اندازی که این ننگ، برای اسلام پیش نیاید و این لطمه و سکته، به مشروطیت ایران وارد نشود؟»**

منبع: سیره علما

24 تیر، ترور روحانی مجاهد آیت‌الله «سید عبدالله بهبهانی» یكی از سران اصلی مشروطیت (1289 ش)

# حکایت خوبان

## نیکی در برابر نیکی

هنگامی‌که مردم کاشان از ورود آیت‌الله به قم مطلع شدند، حدود سی نفر از معاریف شهر کاشان و مؤمنان با یک قواره عبای بسیار عالی که از پشم شتر تهیه‌شده بود، به‌عنوان هدیه خدمت آیت‌الله کاشانی رسیدند. آیت‌الله که لباس‌های بسیار کهنه و به تن داشتند، در کنار یک مرد عرب نشسته بودند. **وقتی عبا را به آیت‌الله کاشانی دادند، ایشان عبا را به دوش این مرد عرب انداختند.** آقایان اهل کاشان از دیدن این وضعیت ناراحت شدند. آیت‌الله کاشانی فرمودند: **«او کسی است که در طی روزها پیاده‌روی چندین بار جان مرا نجات داده و در عبور از رودخانه‌های پر آب مکرر مرا به کول گرفته و من این هدیه را در مقابل زحماتش به او می‌دهم.»**

راوی: آیت‌الله صادقی تهرانی

منبع: تاریخ شفاهی ایران

30 تیر، روز بزرگداشت آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی

# یار مهربان

## متقین

شرح خطبه متقین نهج‌البلاغه

مؤلف: سید مهدی شجاعی، نشر نیستان، چاپ 1393، قطع رقعی، 372 صفحه، 22000 تومان.

متقین شرح خطبه‌ متقین نهج‌البلاغه است؛ خطبه‌ای عظیم و عمیق که حضرت امیرالمؤمنین در پاسخ همام که گفت یا علی! متقین را برایم توصیف کن، فرمودند. خطبه چنان عمیق و پرمعنا است که با اعتراف نویسنده مبنی بر ایجاز متن، باز کتاب قریب چهارصد صفحه شده است. در این کتاب سید مهدی شجاعی با استفاده از آیات قرآن و احادیث و روایات، به شرح و توضیح عبارت به عبارت خطبه می‌پردازد.

در ذیل عبارت «ومشیهم التواضع» می‌خوانیم: «**این دریادلان بال بر زمین تواضع می‌سایند و در آسمان خضوع پرواز می‌کنند و از زلال چشمه خشوع می‌نوشند و در باران فروتنی غسل می‌کنند. تواضع را میوه درخت علم خویش می‌دانند...»**

# در مسیر بهشت

## امید و ناامیدی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لا أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

سپاس خداى را كه غير او را نمی‌خوانم، كه اگر غير او را می‌خواندم دعايم را مستجاب نمی‌کرد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لا أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

و سپاس خداى را كه به غير او اميد نبندم، كه اگر جز به او اميد می‌بستم، نااميدم می‌نمود.

فرازی از دعا ابوحمزه ثمالی، مفاتیح‌الجنان

# ایام ویژه

## حاتم‌بخشی ناصرالدین‌شاه به روس‌ها

پس از آن‌که ناصرالدین‌شاه قاجار امتیاز رویتر مبنی بر تأسیس بانک شاهنشاهی و بهره‌برداری از بعضی معادن ایران را به انگلیسی‌ها واگذار کرد، دولت روسیه نیز به هم‌چشمی انگلستان درصدد اخذ امتیاز جدیدی شد! ناصرالدین‌شاه هم که بحمدالله، از این صله‌ها به بیگانگان زیاد می‌داد، **به روس‌ها امتیازات متعددی ازجمله امتیاز شیلات شمال ایران و صید ماهی و نیز امتیاز تأسیس بانک استقراضی را داد.**

از این قبیل اتفاقات برای ایران و برای هر کشوری زیاد اتفاق افتاده و خواهد افتاد؛ **اگر مسئولان در مقابل بیگانه از خود نرمی و سستی نشان بدهند.** اصلاً نظر قرآن نیز همین است، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»1. چیزی شبیه سیلی موشکی که به گروهک منحرف داعش زده شد، باید با دشمن این‌گونه رفتار کرد.

1. محمد [ص] پيامبر خداست و كسانى كه با اويند بر كافران سختگير [و] با همديگر مهربان‌اند. (سوره فتح/ 29)

29 تیر، واگذاري شيلات شمال ايران به «استفان ليانازوف» سرمايه‏دار روسي (1272 ش)

# درنگ

## خُب از نو

هر بار که زمین بخوریم، کلی عقب می‌مانیم و هر بار که از بلند شدنمان مأیوس شویم، عقب‌تر.

اصلاً شاید فلسفه نماز برای همین است که کم نیاوریم بلکه یک‌چیزی هم زیاد بیاوریم! یادمان نرود که نماز همان نهر آبی است که هرروز مؤمن 17 رکعت در آن شست‌وشو می‌کند و هر رکعت پاک‌تر از رکعت قبلی... یعنی شاید یکی از فلسفه‌های نماز این باشد که، خُب از نو!

تازه این‌ها نمازهای واجب است! هر بار هم گناه ما را زمین زد باید از فرصت استفاده کنیم و با یک جهش خودمان را به مسجد برسانیم و دو رکعت ناقابل اما با توجه، نوش‌جان کنیم که این شکست‌ها خودش مقدمه صعود است؛ صعود تا اوج.

## اقتصاد مقاومتی

## زنان خانه‌دار، گنجینه پنهان

خدمتی که یک زن خانه‌دار می‌تواند به اقتصاد مقاومتی بکند، شاید یک کارگر، یک کارمند و حتی یک مدیر هم نتواند انجام دهد.

زنان خانه‌دار نقش مستقیمی در تربیت فرزند دارند. این **زنان، می‌توانند نسلی کاری و کارآفرین را به جامعه هدیه دهند.** از طرف دیگر مهم‌ترین رکن برای مصارف خانه تصمیمات زن خانه‌ است. اوست که می‌گوید خانه چه نیازهایی دارد. اگر زنان خانه‌دار ما بتوانند مصارف خانه را از مصارف تجملی به مصارف صحیح و از کالای خارجی به کالای داخلی تغییر دهند، تأثیر شگرفی در اقتصاد کشور خواهند گذاشت.

همچنین **اگر زنان جامعه ما به جای تحصیل در رشته‌های مردانه و یا شغل‌های سطح پایین مثل منشی‌گری به تولیدات خلاقانه خانگی مثل خیاطی، صنایع دستی و... روی بیاورند، علاوه بر کمک به مخارج زندگی، می‌توانند بخش عمده‌ای از نیازهای کشور را تأمین کنند.**

فقط ای کاش حکومت، رسانه و جامعه بیشتر از این‌ها به زحمات زنان خانه‌دار ارج می‌نهاد.

## احکام

## کلاغ خرابکار!

دارد در خیابان راه می‌رود که از شانسش کلاغی از آسمان روی لباسش خرابکاری می‌کند. حالا افتاده به جان لباسش تا آن را تطهیر کند! در حالی که فضله پرندگان پاک است.

متن دقیق رساله:

بول و مدفوع انسان و هر حیوان حرام‌گوشتِ دارای خون جهنده (خون‌گرم) نجس است، مگر پرندگان حرام‌گوشت که فضله‌ آنان پاک باشد.

بول و مدفوع حیوانات حلال‌گوشت از پرندگان و غیره پاک است.

رساله آموزشی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بخش نجاسات

## در محضر قرآن- فرمان جهاد

**فرق دوران پیامبر اعظم با سایر پیامبران این است که در این دوران باید مردم خودشان برای برپایی حکومت الهی تلاش کنند** و برای همین هم جهاد مخصوص این زمان و این پیامبر است. اما در دوران پیامبران قبلی معجزات الهی آن‌قدر زیاد بود که از مردم صرفاً انتظار ایمان آوردن و کارهای فردی می‌رفت و مبارزه با طاغوت خیلی مطرح نبود.

اینک خدا مؤمن و کافر را با ایمان به قرآن پیامبر جدا کرد و به مؤمنان فرمان جهاد داد:

**فَإِذا لَقيتُمُ الَّذينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقابِ حَتَّى إِذا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِداءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزارَها**

پس هنگامی‌که اهلِ کفر را دیدید، (وظیفه شما) زدن گردن‌هاست؛ آن‌قدر که بر ایشان چیره شوید. آن‌گاه آن‌ها را محکم به بند بکشید و یا بر ایشان منت بگذارید و آزادشان کنید، یا از آن‌ها مالی را به عنوان فدیه بگیرید و رهایشان کنید. تا اینکه جنگ سنگینی‌هایش را زمین بگذارد و آتش دشمنی خاموش شود.

## در محضر اهل‌بیت- خودی‌های اهل‌بیت (48)- ولایت حسنی

**پیامبر گریه می‌کرد،** چرا که امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) را دیده بود و برای هر یک مفصل اشک می‌ریخت. اصحاب علت را جویا شدند و پیامبر دلیل گریه‌هایش برای هر یک را توضیح می‌داد. اما قبل از آن در مورد جایگاه امام حسن (علیه‌السلام) سخن فرمود:

**أما الحسن فإنه ابني و ولدي و بضعة مني و قرة عيني و ضياء قلبي و ثمرة فؤادي و هو سيد شباب‏ أهل‏ الجنة و حجة الله على الأمة أمره أمري و قوله قولي من تبعه فإنه مني و من عصاه فليس مني[[1]](#footnote-1)**

اما حسن، پس او پسرم و فرزندم و پاره تنم و نور چشمم و چراغ قلبم و میوه دلم است. و او سرور جوانان اهل بهشت و حجت خدا بر امت است. فرمان او، فرمان من و سخن او سخن من است. هر کس از او تبعیت کند، از من است و هر کس او را نافرمانی کند، پس از من نیست.

**انگار امامت چسبیده است به تبعیت. نمی‌شود یکی باشد و دیگری نباشد!**

## ما و رسانه- پیشنهادی برای طرف‌داران «صداوسیمای دولتی»

**لایحه داده‌اند که صداوسیما بیاید زیرمجموعه دولت.** غیر از اینکه باید دید چقدر با قانون اساسی هم‌خوانی دارد و قابلیت پیچاندن قوانین هست، یکبار باید گذشته خود را مرور کنند.

**از طرفی همیشه منتقد صداوسیما بود‌ه‌اند و آن را «میلی» نامیده‌اند، چرا که از نظر سیاسی با آن‌ها هم‌جهت نبوده و خطاهایشان را نپوشانده است.** مثلاً در مجلس ششم که خانه ملت را به حزب سیاسی تبدیل کردند و با تحصن و ساندویچ، فضای جامعه را ملتهب کردند، صداوسیمای ملی آن‌ها را به مسخره گرفت و ناراحت‌شان کرد.

**از طرف دیگر هم هر چه رسانه دست دولتی‌ها بوده، آن‌قدر سیاسی و جهت‌دار برخورد کرده** که ما اصلاً رسانه دولتی بی‌طرف به یاد نداریم. با این اوصاف، چطور به خودشان اجازه می‌دهند چنین درخواستی بدهند؟ **پیشنهاد می‌کنیم در یک مجله یا روزنامه توان بی‌طرفی خود را ثابت کنند و بعد چنین لایحه‌ای بدهند!**

## روزنوشت- چه کسی حزب‌اللهی است؟

**در یک نگاه هر آن کس که شب قدر قرآن روی سر می‌گیرد، حزب‌اللهی است.** این حداقلی است که نباید از آن کوتاه آمد. اما بسنده کردن به این حداقل هم درست نیست، چون هر چه بالاتر می‌رود، حساس‌تر می‌شود تا به جایی می‌رسد که کلمه «حزب‌اللهی» مشترک لفظی می‌شود و یکی حزب‌اللهی‌ها را به باد نقد می‌گیرد و دیگری آن‌ها را تقدیس می‌کند و هر دو هم خیال می‌کنند که دارند درباره خودشان و هم‌مسلکی‌هایشان حرف می‌زنند.

راه چاره چیست؟ قدر متیقن یا وجه مشترک را باید پیدا کرد. چیزی که اگر داشته باشی- و بقیه را نه- حزب‌اللهی هستی و اگر نداشته باشی- و بقیه را آری- نیستی. آن چیست؟ «ولایی بودن»! **اگر بیشتر از اینکه بخواهی پشتیبان ولایت باشی، برای عدالت و آزادی دل‌سوزاندی، لطفاً دم از ولایت نزن؛ اما اگر همراه با ولایت دغدغه‌های دیگر داشتی حزب‌اللهی هستی.**

این اصل است و کوتاه آمدن از آن معنا ندارد.

## خانواده بهتر- حلقه ازدواج، آری یا نه؟

**در غربی بودن حلقه شکی نیست. بحث سر این است که** **فرهنگ ایرانی اسلامی ما آن را تأیید می‌کند یا نه.** البته در عمل می‌ّبینیم که تأیید شده و دارند به آن عمل می‌کنند! اما معنای حلقه چیست؟ این است که یعنی این آقا یا خانم ازدواج کرده و همه بدانند که او متأهل است و دیگر به فکر ازدواج با او نباشند.

در نگاه سنتی و غربی که مرد انتخابگر است و زن انتخاب‌شونده و هر دو هم عرفاً و قانوناً باید تنها یک همسر داشته باشند، این معنی درست است ولی در نگاه اسلامی چه؟ **اسلام به مرد اجازه می‌دهد که در یک زمان چهار همسر دائم و بی‌شمار همسر موقت داشته باشد. پس دلیلی ندارد که مرد با حلقه ازدواج متأهل بودن خود را نشان دهد** و باب ازدواج‌های بعدی را ببندد.

برای زن چه؟ او یک همسر بیشتر نمی‌تواند داشته باشد، ولی فقط زمانی حلقه برای او لازم است که بخواهد انتخاب شود. زن متأهل باید با حلقه بگوید که دیگر نمی‌تواند انتخاب شود اما **اگر انتخاب‌کننده باشد، او نیز نباید حلقه بیندازد. پس در مجموع زن و مرد مسلمان نیازی به حلقه ازدواج ندارند!**

## سوالات

1. در محضر قرآن- فرق دوران پیامبر اعظم با سایر پیامبران چیست؟
   1. فرمان ایمان به خدا
   2. فرمان عمل صالح
   3. فرمان جهاد
2. در محضر اهل‌بیت- مهم‌ترین چیز در داشتن ولایت امام حسن (علیه‌السلام) چیست؟
   1. اهل روضه بودن
   2. به زیارت امام رفتن
   3. اهل تبعیت بودن
3. ما و رسانه- دولت برای گرفتن صداوسیما چه باید بکند؟
   1. بی‌طرفی خود را در رسانه‌های دیگر ثابت کند.
   2. به روند رسانه‌ای قبلی خود ادامه دهد.
   3. قانون اساسی را تغییر دهد.
4. روزنوشت- چه کسی حزب‌اللهی است؟
   1. کسی که نگران عدالت است.
   2. کسی که اولاً پشتیبان ولایت است و بعد سایر دغدغه‌ها
   3. کسی که اولاً نگران عدالت است و بعد ولایت

اقتصاد مقاومتی- مهم‌ترین تأثیر زنان خانه‌دار در اقتصاد مقاومتی چیست؟

1. صرفه‌جویی
2. شاغل شدن در مشاغل سخت
3. تربیت فرزندان کاری و کارآفرین

احکام- آیا فضله پرندگان نجس است؟

1. خیر، ولی فضله پرندگان حرام‌گوشت نجس است.
2. خیر، فضله همه پرندگان پاک است.
3. بله، فضله همه پرندگان نجس است.

1. الأمالي( للصدوق)، النص، ص: 114 [↑](#footnote-ref-1)